

# تأثیر تکنولوژی اطلاعات در دایرة المعارف نگاری

● **عبدالحسین آذرنگ**  
عضو هیئت علمی بنیاد دایرة المعارف اسلامی



**اگر منحنی قیمت رسانه هایی  
مانند لوح فشرده را با قیمت کتاب  
مقایسه کنیم به پدیده عجیبی می  
رسیم بدین معنی که قیمت کتاب روبه  
افزایش و قیمت لوح روبه کاهش است  
با این تفاوت که توانایی کتاب اصلا  
قابل مقایسه با توانایی لوح  
فشرده نیست**

بنابراین مشکلی که در حقیقت هم اکنون وجود دارد مشکل ایران و جوامعی مثل ایران است و اگر بخواهیم راه حلی هم برای آن پیدا کنیم، باید دنبال راه حل خاصی بگردیم. به طور کلی نوشتن مقاله برای دایرة المعارف یا دایرة المعارف نگاری شاخه ای است از نویسندگی. یعنی اگر در جامعه ای مجموعه تحقیقات و اطلاعات موجود باشد و این اطلاعات قابل اعتماد باشد بنابراین به شیوه ها و فنونی احتیاج داریم که بتوانیم این اطلاعات را در قالب یک کتاب مرجع عرضه کنیم و این چیزی جز نویسندگی نیست. نوشتن مقاله برای روزنامه نیز خودشاخه ای است از نویسندگی. اگر اطلاعات پایه و بنیادی را فراهم کنیم گمان می کنم تربیت نیروهای بازنگار، ویراستار، بازارا و چیزهایی که در

با ابراز خوشحالی از اینکه بار دیگر خود را در جمع شما می بینم عرض می کنم که دایرة المعارف امروزه به صورت غلطی در جامعه جا افتاده است و واقعا این گونه نیست. یعنی تصویری که هم اکنون در مورد دایرة المعارف هست، تصویری میانه امیز است. دایرة المعارف یک اثر مرجع است مثل سایر آثار مرجع و بنابراین مشکلاتی که در دایرة المعارف نگاری یا دانشنامه نگاری یا نوشتن مقاله برای دایرة المعارفها وجود دارد جدای از مسائل پژوهشی و مطالعاتی کشورهای نظیر کشور ما نیست. یعنی در حقیقت نیائیم مشکل را منتقل کنیم به پدیده ای به عنوان دایرة المعارف و چیزی مثل دیوار چین یا برج بابل از آن بسازیم و بعد هم زیر فشار یک چنین چیز هیولاواری که برای خودمان ساخته ایم از پادریائیم که درآمده ایم. سازمان و تشکیلاتی که ما در ایران برای دایرة المعارفهایمان به وجود آورده ایم مناسب دایرة المعارف نیست. اینها در واقع تشکیلات انسیکلوپدیک نیست بلکه تا حدودی برای آکادمی است. ترکیب ساختاری ما ترکیبی است از ساختار آکادمی و انسیکلوپدی. بنابراین ما با مشکلات مضاعفی در کشورمان روبرو شده ایم. هم باید به نیازهای پژوهشی و مطالعاتی پاسخ دهیم و هم به نیازهای متدیک. مجموع آنها برای جامعه ای که مشکل اقتصادی دارد و نمی تواند منابع مالی را تامین کند، مشکل تربیت نیروی انسانی دارد، انواع و اقسام مشکلات را دارد، تبدیل به یک معضل در کنار معضلهای دیگر می شود.

در کشورهایی که دایرة المعارف به عنوان یک اثر مرجع و نه چیزی بیش از آن به طور عادی و معمولی منتشر می شود، یافته های اطلاعاتی مبتنی است بر یافته های متکی بر پژوهش. یعنی در جامعه یا در کشور ابتدا باید یک نظام پژوهشی وجود داشته باشد، درحوزه هایی که نیازمند تحقیق است پژوهش ها و مطالعات انجام بگیرد و سپس نتیجه این مطالعات و تحقیقات به اطلاعات قابل اعتماد تبدیل و پس از آن این اطلاعات قابل اعتماد به حجمی بالغ شود که ما راناکزیر کند که آن را در مرجعی به عنوان دایرة المعارف و غیره و غیره سازماندهی کنیم. چنین روندی در کشور ماموجود نیست و بنابراین گزاره نیست اگر بگوئیم سرنا را از سرگشادش می زنیم.

ما به جای سرمایه گذاری در زمینه دایرة المعارف نگاری که خود بنده نیز یکی از متصدیان فعال و حرفه ای آن هستم، اگر می آمدیم و در زمینه پژوهش و تحقیق بنیادی سرمایه گذاری می کردیم نه تنها در نظام تحقیقات و مطالعات و آموزش ما موثر بود بلکه بر نظام مرجع نگاری ما هم اثر می گذاشت.

در نشر و انتشارات و بسیاری عرصه های دیگر نیز که خود شما بهتر می دانید تاثیر داشت.

دایرة المعارف احتیاج است کار دشواری نباشد و این به رفع موانع کمک خواهد کرد.

نکته ای که آقای بجنوردی در مورد اتوریتته فرمودند نکته مهمی است. یعنی در کتابهای مرجع شاید نخستین بار به امضای مقاله نگاه می کنیم که این مقاله نوشته کیست. چرا که اگر ببینیم مقاله را صاحب نظر آن نوشته شاید اصلا آن مقاله را نخوانیم. خصوصا در دایرة المعارفهای تخصصی و نه عمومی.

در دایرة المعارفهای عمومی نظام به کلی درسالهای اخیر دگرگون شده است. یعنی پیدایش رسانه ها و برنامه های بسیار جدیدی که در تلویزیون پخش می شود و بعد هم کامپیوتر و شبکه های اطلاع رسانی مثل اینترنت موضوع دانش عمومی را کاملا تغییر داده است. بنابراین نقشی که سابقا در قرن نوزدهم دایرة المعارفها به عنوان مروج دانش عمومی داشتند اکنون مطلقا ندارند و رسانه های دیگر آن را انجام می دهند. پس باید بحث را هدایت کرد به سمت دایرة المعارفهای تخصصی و چون اتوریتته صاحب نظر باید دایرة المعارف مورد نظر را بنویسد بنابراین مرزهای ملی و جغرافیایی در کتابها و مراجع علمی هیچ معنایی ندارد.

درباره تکنولوژی اطلاع رسانی باید گفت این تکنولوژی دو تاثیر عمده بر دایرة المعارفها و آثار مرجع دارد. یکی حجم عظیمی از اطلاعات پردازش شده است که در اختیار می گذارد و دیگری امکاناتی است که تکنولوژی اطلاع رسانی بعد از تدوین در اختیار موسسات تدوین و نشر مراجع می گذارد.

در مقوله اول، در حال حاضر شبکه ها و بزرگراههای اطلاعاتی عملا راه ورود به بانکهای اطلاعاتی هستند که تعدادشان فوق العاده زیاد و در حال افزایش است. وقتی در حال کار روی کتابهای مرجع هستید از طریق این بزرگراهها که یکی از آنها شبکه اینترنت است می توانید به حجم زیادی از اطلاعات در بانکهای مختلف دسترسی پیدا کنید. مثلا برای آمار و ارقام لازم نیست به مرکز آمار ایران بروید، معرفی نامه ببرید، کتابها را ببینید، بعد نامه بخواهند، کارت شناسایی بخواهند و.... بلکه راه شبکه ها راه ورود به بانکهای عظیم اطلاعاتی است که ارقام و آمار و بسیاری مطالب مورد نیاز دیگر را می توان از آن طریق کسب کرد.

امکان دیگر وجود سازمانها و تشکیلاتی است که در این شبکه ها وجود دارد. نام و نشان افراد، نشانی متخصصان انجمن ها، مراکز علمی، اتحادیه ها، باشگاهها و... که می توانید با آنها ارتباط مستقیم برقرار کنید. اگر اطلاعات مورد نیاز شما به قسمتی از یک واحد مربوط می شود، خود آن واحد را می توانید از طریق این راهها و شبکه ها بازیابی کنید و با آن وارد گفتگو شوید و از طریق آن به اجزاء واحد وارد شوید. پست الکترونیک عملا رابط بین افراد با یکدیگر، افراد با سازمانها و سازمانها با یکدیگر است. روی کارتهای ویزیتی که الان چاپ می شود دو نکته درج شده است: یکی نشانی پست الکترونیکی و دیگری شماره فاکس. این خودنشانه یک تغییر مهم ساختاری است. دسترسی شما به بزرگراهها و شبکه های اطلاع رسانی عملا به معنی یک انقلاب در ارتباطات فردی و سازمانی است که قبلا وجود نداشت. نظامهایی برای انتقال تصویر و اشکال بصری به وجود آمده است از جمله نظامهای ماهواره ای. امروزه برای انتقال تصاویر دیگر از شیوه های قدیمی استفاده نمی شود. کارهایی که اسکنرها در کنار کامپیوترها انجام می دهند شیوه های انتقال تصاویر را دگرگون کرده است.

اگر مجموع امکاناتی را که در عرصه اطلاعات و ارتباطات در اختیار ما هست خلاصه کنیم، معنایش تبدیل سوال به

جواب، استفهام به اطلاع و مجهول به معلوم در یک محدوده زمانی بسیار کوتاه و معین است.

در حال حاضر دایره معارفی به راه افتاده است که هم در اینترنت می توان از آن استفاده کرد و هم از طریق لوح فشرده. اسم این دایره معارف «انکارتا» است. امکانات این دایره معارف نامحدود است و شرکتهایی که آن را تولید می کنند مدام به مقالات آن اضافه می کنند. اگر روند کنونی ادامه پیدا کند که چنین است ودایره معارفهای تخصصی و دانش های خاص به انکارتا منتقل شود، انکارتا مجموعه عظیمی خواهد شد از مقالات دایره معارفهای عمومی و تخصصی.

آن طور که آقای بجنوردی فرمودند کتابخانه دایره معارف ایشان بالغ بر ۳۵۰ هزار جلد کتاب دارد. این نشان دهنده سرمایه گذاری بسیار وسیعی است که در ایران انجام گرفته است. ما می توانستیم این پول را به جای اینکه کتاب بخیریم و در دایره معارف بگذاریم، در کتابخانه ملی این کار را انجام بدهیم، یعنی ۳۵۰ هزار جلد به مجموعه کتابخانه ملی اضافه کنیم تا در اختیار نظام پژوهشی و آموزشی کشور قرار گیرد و همه احادملت از آن استفاده کنند. تجربه انکارتا از این نظر برای ما مهم است که اگر ما به سرمایه گذارهایمان در زمینه منابع مالی و نیروی انسانی ادامه دهیم، در ده سال آینده با تکنولوژیهای روبرو خواهیم شد که اشتباه بودن مسیر طی شده را به ما نشان می دهد. در آن وقت متوجه می شویم هم زمان را از دست داده ایم و هم از تخصص ها عقب مانده ایم. دانش هایمان تیز روز آمدن شده و اطلاعات مفید روز را نداریم و به طور کلی نقض غرض شده است.

از طرف دیگر اگر منحنی قیمت رسانه هایی مانند لوح فشرده را با قیمت کتاب مقایسه کنیم به پدیده عجیبی می رسم بدین معنی که قیمت کتاب روبه افزایش و قیمت لوح رو به کاهش است با این تفاوت که توانایی کتاب اصلا قابل مقایسه با توانایی لوح فشرده نیست. به هر حال این تکنولوژی ادامه پیدا خواهد کرد و اگر قرار باشد روی کتابهای مرجعی سرمایه گذاری کنیم، که در نظام های اطلاعاتی و کامپیوتری قابل بازیابی نباشد، گمان نمی کنم به صلاح کشور ما و کشورهایی که با زحمت و مشکلات فراوان بودجه خود را تامین می کنند باشد.

روند دیگری که در حال انجام است مساله رقمی کردن یا دیجیتالی کردن اطلاعات است. اطلاعات به سرعت در حال دیجیتالی شدن است.

تکنولوژی اطلاعات به راحتی قادر است با اطلاعات دیجیتالی کار کند و حوزه های مختلف کوشش می کنند نتیجه اطلاعاتشان را به اشکال دیجیتالی تبدیل کنند تادستگاههای الکترونیک بتوانند با آنها کار کنند. ما باین قضیه روبرو هستیم. گمان می کنم با توجه به این دو نکته یعنی مجموعه تکنولوژی های اطلاعاتی که در خدمت تدوین کتابهای مرجع و دایره معارف ها قرار می گیرد و با توجه به امکاناتی که در کتابهای مرجع ودایره معارفها دارند تا حاصل کارشان را روی رسانه های جدید منتقل کنند، آینده نگریهایی لازم است که ما در نظام مدیریت پژوهشی مان و در روش هایی که به کار می گیریم تجدید نظر جدی و اساسی بکنیم. از این گذشته در روش های آموزشی هم تجدید نظر اساسی بکنیم. روشهای کنونی پاسخگوی نیازهایمان نخواهد بود. در تکنولوژی هایی که باید تولید کنیم نیز باید تجدیدنظر کنیم. به عبارت دیگر مساله آینده دایره معارفها، مساله آینده کتابهای مرجع است و مساله آینده کتابهای مرجع، مساله آینده آموزش و پژوهش است. مساله پژوهش و آموزش در حقیقت بازریختن اطلاعاتی کشور ارتباط پیدا می کند و زیرساخت اطلاعاتی



## درباره تکنولوژی اطلاع رسانی باید گفت این تکنولوژی دو تاثیر عمده بر دایرة المعارفها و آثار مرجع دارد. یکی حجم عظیمی از اطلاعات پردازش شده است که در اختیار می گذارد و دیگری امکاناتی است که تکنولوژی اطلاع رسانی بعد از تدوین در اختیار موسسات تدوین و نشر مراجع می گذارد

کشور در حقیقت ایجاد و تقویت نهادهای اطلاع رسانی، آموزش فنون و مهارتهای اطلاع رسانی و تکنولوژی های اطلاع رسانی است. اگر ما روی این سه مورد کار جدی انجام ندهیم بنده یقین دارم که ضرر خواهیم کرد.

در پایان به دو نکته که در سوالها اشاره شد می پردازم. یکی همان مساله انکارتا است. انکارتا مجموعه ای است از دایره معارف های عمومی و تخصصی یعنی آنچه شما به عنوان مقاله اعم از کوتاه، بلند، فنی، غیرفنی، تخصصی و عمومی بنویسید و از طریق شبکه اینترنت به بخش انکارتا بدهید به مجموعه مقالات دایره معارفی شما اضافه می شود. بنابراین شما پدیده ای بی پایان به نام انکارتا دارید که در حال گسترش است. البته در حال حاضر یک شرکت است که با همکاری عده ای روی آن کار می کنند اما بعدا ممکن است در ترکیب آن تغییراتی صورت پذیرد.

گمان می کنم اگر ما تکنولوژی های ارتباطی و دانش اطلاعاتی خود را افزایش دهیم می توانیم وارد این طرحها بشویم و آنچه را که مربوط به ماست مانند سهم خودمان از لحاظ فرهنگ ملی مان، سهمی از لحاظ معرفی فرهنگ ایرانی و معرفی ایران در تمام ابعاد مختلف و سهمی که این

کشور در عالم تشیع دارد که سهم کاملا خاصی است ارائه کنیم. اینها مواردی نیست که کشورهای دیگر و متخصصان دیگر بخواهند روی آن کار کنند بلکه جزو وظایف عدول ناپذیر ماست. اما برای اینکه وارد این فعالیتهای ما شویم باید استانداردهای لازم را کسب کنیم. ما فعلا واجد این استانداردها نیستیم. این استانداردها را باید نظام آموزشی کشور ترویج کند و مراقبت کند و بالا ببرد و گمان می کنم این کار غیر عملی نیست و در زمان کوتاهی هم میسر است زیرا به هر حال جامعه ما جامعه ای تحصیلکرده و فرهیخته است و در موارد بسیار متعدد تواناییهای خود را نشان داده است.

من محض اطمینان خاطر شما این نکته را عرض می کنم بنده بنا به وظیفه شغلی که داشتم بارها بخش هایی از دایره معارف مصاحب را با دایره معارف بریتانیکا مقایسه کردم. البته مقصود بخش ش تا غ است که مرحوم مصاحب نظارت کرده و شخصا دیده است. این قسمت مجموعه ای است عمدتا تالیفی و دقیق. این موارد با دایره معارف بریتانیکا بارها مقایسه کردم و به این نتیجه رسیدم که دقت مرحوم مصاحب به مراتب از دقت بریتانیکا بیشتر است و همیشه به این افتخار کرده ام که بنده در کشوری زندگی می کنم که می تواند امثال مصاحب را داشته باشد و متاسفم از اینکه قدر امثال مصاحب شناخته نشده است و نظایران را تکثیر نکردیم.

در هر حال منظور این است که ما این توانایی را داریم که در روندی که در دایره معارف ایجاد شده است مشارکت کنیم و سهم خود را داشته باشیم.

نکته دیگری که می خواهم مطرح کنم نکته ای فنی است که نتیجه سالها تجربه است و شاید به کار شما بیاید و آن این است که تصوری که راجع به ترجمه دایره معارف ترک، اردو و عربی وجود دارد یعنی ترجمه اسلام به ترکی، اردو و عربی و اینکه احساس کنیم از آنها عقب هستیم واقفیت ندارد.

باز هم تاکید می کنم این نکته ای فنی است. چون به خصوص در زمان حیات مرحوم دکتر طاهری یکی از کارهایی که ما انجام دادیم ترجمه تعداد زیادی از مقالات همه دایره معارفها و مقایسه آنها با یکدیگر بود، یعنی مقاله ای که به زبانهای فرانسه، انگلیسی، عربی، ترکی و اردو موجود بود ترجمه می کردیم و کنار هم می گذاشتیم و مقایسه می کردیم که چه کاری انجام شده است. از بسیاری جهات اصلا نمی توانید به آنها اعتماد کنید. کاری که در دایره معارف اردو کرده اند این است که دایره معارف اسلام را سطحی ترجمه کرده و آنچه را که به زعم خودشان به پاکستان، شبه قاره هند و یا فرهنگ اردو مربوط شده اضافه کرده اند که عمدتا از لحاظ تحقیقی قابل استناد نیست. یعنی وقتی می خواهیم به آنها ارجاع دهیم و استناد کنیم می بینیم نمی توان این کار را انجام داد. بنابراین بهتر است افسانه اینها را از ذهنمان بیرون آوریم.

اما کاری که ما نکردیم و از این بابت مستوجب سرزنش هستیم این است که ما می توانستیم دایره معارف اسلام را عینا ترجمه کنیم و آنچه را که به ایران و فرهنگ ایرانی و مذهب و فرهنگ شیعی مربوط می شد تالیف می کردیم و به آن می افزودیم. اگر این کار را انجام می دادیم و با روش های علمی ای که آشنا بودیم دست به این کار می زدیم در حال حاضر مجموعه فارسی دایره معارف اسلام در کنار ترجمه های دیگر موجود بود و امکان مقایسه وجود داشت اما متاسفانه چنین کاری صورت نگرفته است.